

در یک فرهنگ عمومی عملی متهورانه محسوب می‌شود. در "فرهنگ هزاره" نشانه‌های چنین تهوور مشهود نیست. برعکس آنچه می‌بینیم خبر از انطباق فکری و کار روش‌مند و سعی در ارائه معادل‌ها دقیق و جاافتاده می‌دهد. و البته یک حُسن دیگر چنین مقایسه‌ای این است که خوانندگان این مطلب خود می‌توانند در داوری شرکت کنند و نتیجه خودشان را بگیرند.

عرض دیگری نمانده است جز آرزوی رواج هرچه بیشتر "فرهنگ هزاره" در داخل و خارج از کشور و شناخته شدن قدر زحمات مؤلفان و به سود رسیدن سرمایه‌گذاری ناشر و ادامه کار به سوی بالا (در جهت تألیف یک فرهنگ بازم بزرگ‌تر) و به سوی پایین (در جهت تدوین فرهنگ‌های یک‌جلدی و کوچک. بیرون آمده از شکم همین فرهنگ). دکتر حق‌شناس ارجمنده! در عمل درخواهید یافت که اگر شما بخواهید فرهنگ را رها کنید، فرهنگ دیگر شمارا رها نمی‌کند. فرهنگ‌نویسی کار یک عمر است. □

* * *

درباره "فرهنگ هزاره"

علی صلح‌جو

حییم، باطنی و حق‌شناس بدون تردید در تاریخ فرهنگ‌نگاری این بوم باقی خواهند ماند. با خطر کردن اقتصادی موسایی و با همت و شکیبایی این دو زبان‌شناس، فرهنگ‌نگاری ایران، بعد از حییم بزرگوار، دو گام بلند - هر گام در تکامل گام قبلی - برداشت. به نظر من همه مترجمان مشغول و آن عده که خود را آماده وارد شدن به گود ترجمه می‌کنند از داشتن این فرهنگ بی‌نیاز نیستند.

من از این فرهنگ نامدار (با نام زیبایی "هزاره") بیشتر تعریف شنیده‌ام تا انتقاد. در واقع، انتقاد روشن و ملموس نشنیده‌ام (به استثنای مقاله رضی هیرمندی / خدادادی) و به نظر می‌رسد که برخی شبه‌انتقادها نیز بیشتر ناشی از نام خود حق‌شناس باشد: بزرگی نام حق‌شناس در عده‌ای انتظاری در حد هوا شدن فیل ایجاد کرده بود! بدون تردید، این فرهنگ، در حال حاضر، بهترین است.

مقدمه بسیار عمیق و همه‌جانبه حسین سامعی در جلد دوم نشان می‌دهد که حق‌شناس از لحاظ همکار بخت خوبی داشته است.

دو نکته: هنگام خواندن ساختار و راهنمای استفاده در جلد اول، نتوانستم تفاوت مدخل و سرمدخل را بفهمم. برای مثال واژه student مدخل (ص ۱۴) و واژه book سرمدخل (ص ۱۵) نامیده شده است. همچنین در همین بخش (ص ۱۸ سطر ۹) غلط چاپی گمراه‌کننده‌ای رخ داده است: ظاهراً به جای "نمونه ۳" باید "نمونه ۱" باشد.